



عزیزانم! در اصول اختلاف نکنید. شهدا، محور عزت و کرامت همه ما هستند؛ نه برای امروز، بلکه همیشه اینها به دریای وسعه خداوند سبحان اتصال یافته‌اند. آنها را در چشم، دل و زبان خود بزرگ ببینید، به فرزندان شهدا که یتیمان همه شما هستند، به چشم ادب و احترام بنگرید. به همسران و پدران و مادران آنان احترام کنید، نیروهای مسلح خود را که امروز ولی فقیه فرمانده آنان است، برای دفاع از خودتان، مذهب‌تان، اسلام و کشور احترام کنید

امنیت کشور با این رویکرد که باید مرزهای امنیتی کشور را صدها کیلومتر بعد از مرزهای جغرافیایی قرار دهد، در حوزه مسائل اقتصادی هیچ اقدام فردی و سازمانی انجام نمی‌داد اما چون پیش‌نیاز توسعه در حوزه اقتصادی امنیت است، به نظر می‌آید مهم‌ترین کاری که سردار سلیمانی و دوستان‌شان انجام دادند، تامین کامل این پیش‌نیاز بود. ایجاد امنیت و ثبات برای سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه برای تعمیق روابط اقتصادی مهم‌ترین اقدام حاج‌قاسم در این زمینه بود.

■ پیش‌بینی شما از دورنمای ارتباط ایران و سوریه با توجه به اقدامات اخیر اتحادیه عرب در قبال سوریه چیست؟ یکی از کشورهای موثر در اتحادیه عرب سوریه بوده و هست، بنابراین حتما کسانی که سوریه را از اتحادیه عرب اخراج کردند پشیمان خواهند شد. اقدامات کشورهای عربی در یکی - دو سال گذشته در قبال سوریه نشان از ادعای آنها به اشتباه خود در رابطه با سوریه دارد اما این اقدامات را باید در سال‌های قبل انجام می‌دادند تا جبرانی نباشد برای حرکت نازیبا و غیر حقوقی خود یعنی اخراج کشور سوریه از اتحادیه عرب. بنابراین صندلی سوریه در اتحادیه عرب باید چند سانتیمتر بالاتر از دیگر کشورهای عضو اتحادیه باشد، چرا که مقاومت و شجاعتی که مردم و دولت سوریه از خود نشان دادند کم‌نظیر بود. بر این اساس، بازگشت دولت سوریه به اتحادیه عرب یک حق مسلم برای یک کشور عربی به نام سوریه است و حتما کشور سوریه باید به پاس زحماتی که در مقابله با تروریسم و حفظ غرب آسیا از خطر تجزیه کشیده است، چند دوره به عنوان رئیس این اتحادیه معرفی شود.

نکته بعدی اینکه جمهوری اسلامی به هیچ عنوان علاقه‌مند نیست کشوری مثل جمهوری عربی سوریه از اتحادیه عرب دور باشد. خاستگاه سوریه در این اتحادیه هست و جمهوری اسلامی از عضویت و تاثیرگذاری سوریه در این اتحادیه استقبال می‌کند. قطعا روابط سوریه با جمهوری اسلامی یک روابط بسیار گسترده است و بعد از حمایت جمهوری اسلامی از سوریه در مقابل تروریسم، این روابط به یک روابط راهبردی و استراتژیک تبدیل شده است. ۲ ملت ایران و سوریه برای مقابله با تروریسم و جلوگیری از تجزیه خاورمیانه مجاهدت کردند و قطعا سوریه کشوری نیست که با عضویت مجدد در اتحادیه عرب از جمهوری اسلامی دور شود بلکه می‌تواند زمینه‌ای برای ارتباط جمهوری اسلامی با کشورهای مختلف عربی هم ایجاد کند. در حقیقت سوریه می‌تواند فضای ایجاد شده علیه ایران و ایران‌هراسی را کاملاً از بین ببرد و واقعیت جمهوری اسلامی ایران را به کشورهای عربی بشناساند.

اخیرا سفر وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی و سفر وزیر صمت و مدیران این ۲ وزارتخانه به سوریه توانسته تا حدودی کار را تسریع و جبران کند اما تعلق در ۵ سال گذشته به این سرعت جبران نخواهد شد و باید این امیدواری را داشته باشیم که با کاری جهادی بتوانیم هر چه زودتر از توانمندی‌های گسترده جوانان تحصیلکرده و نخبه استفاده کنیم.

خوشبختانه ما در ایران تعداد زیادی از متخصصان در رشته‌های مختلف مثل کشاورزی، آبی‌تی، بندر، معادن، نفت و... را در اختیار داریم. می‌توانیم از ظرفیت و توانمندی‌های اینها استفاده کرده و از این طریق فضا و فرصتی مناسب برای جوانان مان ایجاد کنیم تا از فکر و ایده‌ها استفاده شود و کارآفرینی‌های بزرگی اتفاق بیفتند.

می‌توانیم در حوزه‌های گوناگون - چه در خشکی و چه در دریا - برای مردم سوریه اقداماتی انجام دهیم که یک نوع سرمایه‌گذاری درازمدت برای کشور خواهد بود. این نکته باید مورد اشاره قرار گیرد که هر گاه صحبت از کمک و همیاری به مردم سوریه می‌شود نباید کسی تصور کرد که کمک‌ها بلاغوش خواهد بود، اصلا این مساله نیست، نه مردم سوریه و نه نظام سیاسی سوریه با مناعت طبعی که دارند به هیچ عنوان چنین توقمی ندارند بلکه این اقدام یک سرمایه‌گذاری بزرگ است که در تمام دنیا مرسوم است. سرمایه‌گذار در ابتدا سرمایه‌گذاری خود را چه به شکل فاینانس و چه به صورت قراردادهای میان‌مدت و درازمدت انجام می‌دهد و در موقعیت‌های بعدی، بعد از انجام سرمایه‌گذاری اولیه، هزینه‌ها بازمی‌گردد و سود خود را نیز کسب خواهد کرد، بنابراین زمانی که صحبت از همیاری مردم سوریه می‌شود به هیچ عنوان منظور کمک بلاغوش نیست و سرزمین سوریه نیز در این ارتباط توانمندی‌های بسیار زیادی در حوزه معادن، زمین‌های زراعی، بندر و... دارد. مردم سوریه نیز مردم کوشایی هستند. ما تصور می‌کنیم با گام‌هایی که در دولت سیزدهم برداشته شده در یک فاصله زمانی قابل قبول امکان جبران عقب‌ماندگی سال‌های گذشته وجود خواهد داشت.

■ اقدامات حاج‌قاسم در زمینه بهره‌برداری اقتصادی ایران بعد از پایان جنگ سوریه چه بود و ایشان چگونه زمینه‌سازی و بسترسازی برای این ارتباط اقتصادی را فراهم کرد؟ حاج‌قاسم در ارتباط با این موضوع هرگز نگاه اقتصادی صرف نداشت بلکه تکلیف‌محور بود و مأموریت خویش را فقط در برقراری امنیت برای ایران و منطقه می‌دید. البته در اواخر عمر شریف خود با توجه به آرامش قابل قبولی که در سوریه ایجاد شده بود برای تسهیل در همکاری‌های ۲ کشور در حوزه اقتصادی هم طرح‌هایی را مطرح می‌کرد اما با توجه به نوع مأموریت و دغدغه‌های ایشان برای حفظ

■ عده‌ای معتقدند به‌رغم مجاهدت‌های سردار سلیمانی و مدافعان حرم در برقراری امنیت و ثبات در کشورهای نظیر سوریه و عراق، دولت ایران از فرصت اقتصادی و بازارهای این کشورها بهره‌مناسب را نبرد و آن را به کشورهای وابسته واگذار کرد که حتی موضوعی هم‌مسو با تروریست‌های داعشی داشتند؛ چگونه این مساله را تحلیل می‌کنید؟

واقعیت امر این است که در طول سال‌های گذشته ما نتوانستیم دستاوردهای مقابله با تروریسم در سوریه و عراق را برای مردم خود نقد کنیم. بدین معنا که به رغم اعلام آمادگی مقامات ارشد سوریه مبنی بر اینکه کشورهای همراه سوریه در زمان جنگ در اولویت سازندگی سوریه هستند ولی متأسفانه به دلیل نگاه غرب‌گرایانه دولت‌های یازدهم و دوازدهم، ما نتوانستیم از توانمندی‌های موجود در ایران برای سرمایه‌گذاری و حضور اقتصادی در کشورهایی که مقاومت توانست آن کشورها را از سرنگونی واقعی نجات دهد، استفاده کنیم. ببینید این خیلی نکته مهمی است که همان کسانی که در داخل تصور می‌کردند به دلیل همیمنی بیش از ۱۰۰ کشور برای سقوط نظام سیاسی سوریه دیگر جمهوری اسلامی در این کشور کاری از پیش نخواهد برد و ایران باید دست از حمایت نظام سوریه و مبارزه با تروریست‌های مسلح بردارد، حال همان‌ها از فرصت‌های اقتصادی به وجود آمده در این کشور برای جمهوری اسلامی استفاده مطلوب را به نفع کشور نبردند. این در حالی است که جمهوری اسلامی توانسته بود تروریسم را در آن منطقه زمینگیر کند و نظام سیاسی سوریه که مورد حمایت اکثریت مردم خودش هم هست را از سقوط نجات دهد اما با کمال تأسف باید بگوییم آنها نتوانستند از این موقعیت برای گشایش و شکوفایی اقتصاد ایران بهره‌برداری کنند. مهم‌ترین دلیل آن هم این بود که این آقایان نگاه‌شان به غرب بود و تصورشان هم این بود که اگر جمهوری اسلامی در صحنه مبارزه با تروریست حاضر شود، تحریم‌ها تشدید خواهد شد اما برخلاف تصور آنها تا آخرین روزها بدون اینکه ما در اقتصاد سوریه و سازندگی در این کشور حضور جدی پیدا کنیم و بهره‌برداری کنیم، این تحریم‌ها ادامه داشت. واقعیت امر این است که حتی مجوز سفر برخی مقامات اقتصادی به سوریه از جانب رئیس دولت دوازدهم داده نمی‌شد. قسمت‌های مهمی از بخش خصوصی ۲ کشور ایران و ترکیه آماده حضور در اقتصاد سوریه بودند اما پشتوانه‌ها و حمایت‌های قانونی که باید از جانب مقامات اقتصادی ایران صورت می‌گرفت، میسر نشد. البته در ۴ تا ۵ ماه گذشته در دولت سیزدهم تا حدودی این موضوع جبران شده و زیرساخت‌های این کشور از جمله معدن، مخابرات، بهداشت و درمان، راه و پل‌سازی سرمایه‌گذاری‌هایی شده است.



به رغم اعلام آمادگی مقامات ارشد سوریه متأسفانه به دلیل نگاه غرب‌گرایانه دولت‌های یازدهم و دوازدهم، ما نتوانستیم از توانمندی‌های موجود در ایران برای سرمایه‌گذاری و حضور اقتصادی در کشورهای ما مقاومت توانست آن کشورها را از سرنگونی واقعی نجات دهد، استفاده کنیم



اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تداوم یابد و ما را از جنبه‌های مختلف تقویت کند. مکتب سردار سلیمانی فقط یک مکتب نظامی نیست، لذا نباید امر نظامی صرفا برای امر نظامی باشد، بلکه باید بتواند پیوست ملی ما را تقویت کند. باید بتواند پیوست تمدنی شیعه را در منطقه و پیوست جهان اسلام را تقویت کند و در احیای تمدنی جهان اسلام حرکت کند و بتواند ال‌ترناتیوی را ایجاد کند که این ال‌ترناتیو برآمده از ایده‌ال‌های انقلابی است که در ۵۷ شکل گرفته و از درون آن ایده‌ال‌ها یک نظامی به نام نظام جمهوری اسلامی تشکیل شده است. معماری سردار سلیمانی به مثابه یک معمار ژئوپلیتیست و ژئواستراتژیست، طی تقریباً ۴ دهه از عمر ایشان، دستاوردهای بزرگی را برای کشور و نظام به همراه داشته است. برای مثال کشتی‌گیران در طول عمر حرفه‌ای‌شان می‌توانند نهایت ۵ سال در اوج باشند و کشتی‌گیری که بتواند یک دهه در اوج باشد، باید بسیار نابغه باشد. کشتی‌گیری که بتواند در دوره جوانی، نوجوانی و بزرگسالان و پیشکسوتان در اوج باشند، شاید به اندازه انگشتان دست باشند. حالا یک انسانی در طول ۴ دهه در میان تلاش‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی در اوج کارآمدی بوده که این در دنیا کم‌نظیر است.

در یک دهه اخیر که منطقه و کشور با التهابات فراوانی روبه‌رو بوده است، اگر چه وزرای خارجه جمهوری اسلامی به صورت رسمی نقش ایفا کرده‌اند اما آن کسی که به صورت جدی در معادلات منطقه و حتی جهان اثرگذار و معمار اصلی سیاست خارجی ایران به معنای واقعی کلمه بوده، سردار سلیمانی است. این معمار بزرگ برای آینده جمهوری اسلامی و منطقه و جهان، چشم‌اندازی را ترسیم کرده است و ما امروز اگر بخواهیم این دستاورد بزرگ را در راستای ارتقای تمدنی تداوم دهیم، باید درباره امتداد اجتماعی و حتی آکادمیک جریان یا مکتب سردار سلیمانی به صورت جدی اندیشه‌ورزی کنیم.



دکتر سیدجواد میری
استاد دانشگاه

معمار دژ مقاومت

سردار شهید سلیمانی را می‌توان معمار یک بنا و دستگاه عظیم در منطقه دانست که بیش از ۲۰ سال در قالب فرماندهی سپاه قدس، به پرورش و گسترش آن اهتمام ورزید. بالطبع هر معماری دارای افکار، عقاید و طرح‌هایی است تا مبتنی بر آنها ساختمان را بنا کند. سردار سلیمانی دارای یک نگاه و الهیاتی بود که آن الهیات کاملاً منطبق بر الهیات انقلاب اسلامی با محوریت ولایت فقیه بود به طوری که همان‌گونه که شهید سلیمانی در وصیتنامه خویش ذکر کرده است، عاقبت به خیری و رضایت خدا را در تبعیت از ولی فقیه می‌داند. او نظام جمهوری اسلامی را حرم می‌داند و شرط ماندن سایر حرم‌ها و اهتزاز پرچم دین و اهل‌بیت را در گرو اعتلای نظام جمهوری اسلامی می‌بیند. حتی او در پس ذهن خود معتقد بوده باور شما به خدا هم ذیل امر ولی فقیه شکل می‌گیرد و باید در این چارچوب حرکت کنید و حتی رضایت و عدم رضایت خداوند نیز در پایبندی یا عدم پایبندی به این چارچوب شکل می‌گیرد.

حال شهید سلیمانی در ذیل این الهیات، معادلات تمدنی در این برهه تاریخی را اندیشیده و ارتباطات و شبکه‌های عمیقی هم در منطقه و دنیا ایجاد کرده بود. مبتنی بر همین دستگاه و منظومه فکری، سیستمی ایجاد کرده بود که حتی بعد از خودش نیز دارد ادامه می‌یابد و به سمت همان اهداف در حرکت است. امروز ما باید به این نکته توجه داشته باشیم که اگر بخواهیم جریانی که سردار سلیمانی ایجاد کرده است در داخل و خارج تداوم پیدا کند، نیازمند مؤلفه‌هایی هستیم تا نه تنها صرفاً در عرصه نظامی، بلکه در عرصه دیپلماتیک،